

ساعتی در کارگاه سفالگری محمدحسین بهاری در شهری که این هنر در آن قدمت چندصدساله دارد

از شهرضا تا اروپا باسفال ایرانی

عباسعلی سپاهی یونسی | برای دیدار با میهمان این هفته ام به شهرضای اصفهان آمده‌ام شهری که به سفال‌هایش معروف است. شهرضا از دیرباز به عنوان یکی از مراکز سفال و سرامیک در کشورمان مطرح بوده، تا آنجا که عنوان شهر ملی سفال را به خود اختصاص داده است. مهندس محمدحسین بهاری یکی از استادکاران رشته سفال در شهرضا است. او از خانواده‌ای می‌آید که چرخ سفالگری ۲۰۰ سال است در خانواده آن‌ها از حرکت و تولید ناپستاده است.



بازی در کارگاه سفال

دوران مدرسه ما با این تفاوت داشت، مثلاً یادم هست بود و معلمی داشتیم که حالا اسمش را نمی‌گویم اما با ذوق روبه‌ما کرد و گفت بچه‌ها برایتان یک هدیه خوب آوردم. قاعدتاً همه خوشحال شدیم که معلممان برایمان چه آورده. معلممان گفت من دیروز در باغ یکی از دوستانم بودم برایتان تعدادی ترکه آلبالو آوردم و البته می‌دانید وضعیت ترکه برای تنبیه کردن بود. البته معلم‌هایی هم داشتیم که با این معلم فرق داشتند و از آن‌ها خاطره خوب در ذهن ما مانده است، مثلاً معلمی داشتیم که وقتی متوجه شد من به کار سفال و سرامیک علاقه دارم، من را برای ادامه این راه تشویق کرد. دوره دبیرستان در رشته ریاضی طی شد و وقتی به انتخاب رشته رسیدم تازه رشته سرامیک به شهر ما آمده بود، اما در شاخه کارودانش بود و سطح آن خیلی بالا نبود برای همین ترجیح می‌دادم این بود که رشته ریاضی را بدهم. دوره کارشناسی ام در میبد بودم و در ادامه در همین شهر خودم شهرضا در مقطع کارشناسی ارشد مهندسی مواد سرامیک مدرک گرفتم. نمی‌شد به درس خواندن من در دانشگاه نمره عالی داد، اما جزو خوب‌ها بودم.

وفاداری به اصالت

کنند. کاش در کشور ما هم به همین شکل عمل می‌شد تا از پذیرش دانشجو نتیجه بهتری بگیریم. یکی از استادان می‌گفت دانشگاه شهرکرد در رشته سرامیک ۲۵ نفر ظرفیت داشته، اما حدود ۱۷ صندلی خالی داشته است یعنی با این وضعیت هر کسی این رشته را انتخاب کرده باشد حتماً وارد دانشگاه می‌شود. کار کردن با گل یک کار دلنشین و لذت‌بخش است و تقریباً هر بچه‌ای دوست دارد با گل بازی کند و ما هم از این قاعده مستثنا نبودیم. تفاوت کار کردن در این روزگار و زمانی که ما بچه بودیم یا پدر یا پدربزرگ‌های من کار می‌کردند این است که در این روزگار ما مواد اولیه بهتری در اختیار داریم و این سبب شده کیفیت کار بهتر بشود. از طرفی امروز ما دستگاه‌ها و تجهیزاتی داریم که موجب شده کار ما راحت‌تر بشود، اما با این همه من به سهم خود سعی کرده‌ام اصالت کار را از بین نبرم و فراموش نکنم و در طرح، رنگ و نقوش اصالت را حفظ کنم. هر چند بعضی اوقات به اقتضای بازار اساتید مجبورند کارهایی خلق کنند که ما به آن‌ها کارهای بازاری می‌گوییم، این‌ها کارهای ساده‌ای هستند و یا کارهایی که آن‌ها را به تقلید از ظروف خارجی می‌سازند. این‌ها عموماً کارهایی هستند که به سفارش مشتری زده می‌شود و مشتری هم سلیقه بخشی از مردم را در نظر می‌گیرد، اما ما مثل گذشته همچنان کار اصیل می‌سازیم.

دانشگاه بیشتر از جنبه علمی کار به کمک من آمد چون از زیرشاخه‌های مهندسی بود و بیشتر از نظر فرمولاسیون، تکنیک‌ها و روش‌های تولید به من و امثال من کمک کرد. در بخش هنری خیلی کار نکردیم و بیشتر در بحث فناوری و مواد اولیه و این طور موارد درس و کارگاه و آزمایشگاه داشتیم. البته این را بگویم که متأسفانه چون این رشته بعدها متقاضی نداشت این رشته تعطیل و حیف شد. در شهرضا استادی داشتیم که در دانشگاه شفیلد انگلستان درس خوانده بود. ایشان می‌گفت دانشگاه نجف‌آباد مثلاً ۲۰ یا ۳۰ فوق لیسانس می‌گیرد و دانشگاه ما ۳۰ فوق لیسانس. حساب که کرد در کشور سالی ۱۰۰ تا ۱۵۰ دانش‌آموخته فوق لیسانس در رشته مهندسی مواد داریم اما ایشان می‌گفت در آلمان به این شکل عمل نمی‌کنند که همین جور شروع کنند به پذیرش و بعد هم مدرک بدهند. ایشان می‌گفت آنجا وقتی دانشجو فوق لیسانس می‌گیرند که یا در صنعت آلمان مشغول پیش آمده باشد و نیاز به دانشجو باشد یا یک نفر یک طرح و پروژه جدید را تعریف کرده و نیاز باشد یکی دو نفر دانشجوی ارشد روی آن موضوع کار



سعی کردم نوآور باشم

دو یا سه خاک دیگر مخلوط و در نهایت با آن ظروف درست می‌کردند که در اصطلاح به آن گل کاشی هم می‌گویند. قدیم واژه سرامیک نبوده و سفال هم بیشتر برای کارهای خاک رسی استفاده می‌شده است. لقب پدربزرگ بنده حاج‌حسین کاشی‌پز بوده است چون با گل کاشی کار می‌کرد. خاکی که من انتخاب کرده‌ام سبب می‌شود کار سفیدتر بشود و لعاب آبی ایرانی روی آن بهتر درمی‌آید و خودش را بهتر نشان می‌دهد ولی کار کردن با خاک سفید کمی سخت‌تر است چون انعطاف‌پذیری خاک رس را ندارد. کار دیگری که من انجام داده‌ام تغییرات در سبک نقاشی و لعاب‌هاست. مثلاً در بخش طرح‌ها یک سری طرح‌های گل و مرغ را شروع کرده‌ام که به طرح‌های قجری معروف هستند. این‌ها را بیشتر در دوره قاجار می‌زدند. در بخش لعاب هم سعی کرده‌ام کارم تنوع بیشتری داشته باشد و کیفیت کار هم نسبت به قبل بهتر شده است.

تحصیلات من در این رشته به کمک من آمده است چون اگر آدم هم تجربی کار کند و هم درس این رشته را خوانده باشد خیلی بهتر است. زنده‌یاد پدرم همیشه می‌گفت: کار سفالگری استاد ندارد هیچ‌کس نمی‌تواند در این رشته ادعا کند که من استادم چون یک نفر پیدا می‌شود که یک چیز بلد است که شما بلد نیستی و استاد یعنی کسی که همه چیز را بلد باشد و این یعنی همان شعر معروف است که: در جهان قیل مست بسیار است دست بالای دست بسیار است فعلاً من تنها نفری هستم که در شهرضا با خاک سفید کار سفال می‌کنم. بقیه همکاران با خاک رس کار می‌کنند. خاک رس خاک آبرفتی است که از محل آبرفت رودخانه‌ها و بر اثر ته‌نشین شدن گل و لای رودخانه به وجود می‌آید یعنی آن خاک جمع‌آوری و تصفیه می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد. در قدیم به این گل سنگ هم می‌گفتند چون سنگ را از گوه می‌آوردند، خرد می‌کردند و پس از پودر شدن با

کارهایی برای صادرات

هزینه به کیلویی یک میلیون تومان می‌رسد که زمینه بسیار مناسبی برای صادرات ایجاد می‌کند. در جایی مثل کشور ایتالیا یک لیوان سفالی کار دست سفالگران شهرضا با قیمت خوبی به فروش می‌رود چون به یورو پول می‌دهند، در حالی که در بازارهای داخلی قیمت این لیوان خیلی کمتر از آن مبلغ است و این سودی است که می‌تواند به سفالگران کمک کند تا تشویق شوند و کالاهایی تولید کنند که ارزش افزوده بالایی دارند، اما حمایت از این هنر کم است هر چند من فکر می‌کنم نباید منتظر کمک‌های دولتی بمانیم و باید خودمان تلاش کنیم. به نظرم باید به این سمت برویم که سفالگر به جای ساخت کارهای دودستی مثل کوزه و قلیان و هدر دادن آب، خاک و گاز که در شهرضا هم بسیار تولید می‌شود، کارهای با ارزش تولید کند که هم به نفع تولیدکننده است و هم به نفع کشورمان. حیف است وقتی می‌توانیم کاری تولید کنیم که قابلیت صادرات دارد، و قشمان را صرف کارهایی بکنیم که درباره آن‌ها حرف زد.

در حال حاضر خیلی از کارگاه‌های شهر ما کوزه و قلیان تولید می‌کنند که خیلی وجه هنری ندارد و بیشتر کار تجاری است، اما من به این بخش ورود پیدا نکردم چون همان طور که اشاره کردم هم وجه هنری ندارد و هم کار آن‌ها چون ساده‌تر است بیشتر و البته با قیمت پایین‌تر تولید می‌شود. ترجیح من این است همان وقتی را که قرار است برای آن کارها بگذارم برای یک گلدان بگذارم که هم طرح نقاشی آن ریزتر و هم قیمت آن بعضی وقت‌ها تا ۱۰ برابر بیشتر از قیمت یک قلیان است. کارگاه‌هایی که کار لعابی انجام می‌دهند در حدود ۶ کارگاه است. محصولات کارگاه ما بیشتر در تهران به فروش می‌رسد ولی تعدادی از کارهایمان هم به کشورهای اروپایی مثل ایتالیا، آلمان، فرانسه، سوئد، اتریش، انگلستان و... ارسال می‌شود. وضعیت در حال حاضر به خاطر تحریم‌ها و بعضی از بحث‌های دیگر مثل گذشته خوب نیست، اما چشم‌انداز خوبی داریم. مثلاً اگر هزینه تهیه خاک و مواد اولیه محصولی کیلویی ۲۰۰ هزار تومان می‌شود، اما وقتی به یک محصول نهایی تبدیل می‌شود این



صادرات هنر به جای نفت

من به تازگی کاری را شروع کرده‌ام که مخاطب آن بیشتر کودکان هستند چون در این بخش قبلاً کاری انجام نمی‌شد. ما جرا به این صورت پیش می‌رود که بچه‌ها به کارگاه ما می‌آیند و با گل کار می‌کنند. در این فرایند، با گل و بعضی دیگر از مسائل کار ما آشنا می‌شوند. این کار سبب می‌شود هم زمان خوبی را تجربه کنند چون همان طور که گفتم کار با گل لذت‌بخش است و خودم در کودکی آن را تجربه کردم و هم با این روند و راهی است این هنر



اصل ماهی برمی‌گردد به افسانه شجره حیات یا همان درخت زندگی. قدیمی‌ها معتقد بودند این شجره حیات در عمق اقیانوس‌هاست و ماهی‌ها دور این درخت نگهداری می‌دهند و آن را از شر اهریمن حفظ می‌کنند. آن‌ها معتقد بودند اهریمن می‌خواهد با نابود کردن میوه این درخت، کل حیات را از بین ببرد، اما ماهی‌ها مانع این کارند برای همین است که وقتی ماهی می‌کشیدند به صورت ماهی چرخان بوده و یک گل یا درختی که نمادی است از همان درخت زندگی در وسط ماهی‌ها کشیده می‌شد. البته غیر از ماهی طرح گل، طاووس، خورشید خانم و طرح‌های هندسی هم بوده و من از میان این طرح‌ها هم ماهی را خیلی دوست دارم و هم گل و مرغ را. در قدیم کارهای سفال بیشتر کاربردی بود چون مس به نسبت گران بود و عامه مردم نمی‌توانستند استفاده کنند به این کارها روی می‌آوردند. دلم می‌خواهد روزی برسد که مسئولان ارزش هنری سفالگری را بدانند، دلم می‌خواهد کشورمان پر از گردشگر باشد آن وقت است که این هنر رونق می‌گیرد و می‌فهمیم نباید فقط به نفت اتکا کنیم. یعنی آن وقت هم صادرات هنر را داریم و هم از راه این صادرات می‌توانیم به اقتصاد کشورمان کمک کنیم.